

مطالعه تطبیقی دیدگاه حقوقی اروپایی

با دیدگاه حقوقی اسلامی

○ علی قربانی*

○ جعفر موحدی**

چکیده

در تفکر اروپایی با جهان بینی مادی، دیدگاه فلسفی مبتنی بر فرد محوری و جمع محوری است. دیدگاه حقوقی نیز مبتنی بر دو نوع از مکاتب حقوقی و سیستم دادرسی است که یکی از آنها بر پایه فردمحوری شکل گرفته و مکتب فردی - طبیعی نام دارد و سیستم دادرسی آن اتهامی است؛ دیگری بر پایه جمع محوری شکل گرفته و مکتب تحقیقی - اجتماعی نامیده شده و سیستم دادرسی آن تفتیشی است. در تفکر اسلامی با جهان بینی الهی و فلسفه خدا محور نیز می توان دیدگاه حقوقی (مکتب حقوقی و سیستم دادرسی) متناسب با آن را یافت و از آن با عنوان مکتب حقوقی الهی - فطری و سیستم دادرسی اسلامی یاد کرد.

کلید واژگان: حقوق اسلامی، حقوق اروپایی، سیستم دادرسی، مکتب فردی - طبیعی، مکتب تحقیقی - اجتماعی، مکتب حقوقی الهی - فطری.

* استاد یار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس.

** دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.

با مطالعات گسترده در تاریخ اروپا، دو نوع مکتب حقوقی و سیستم دادرسی مشاهده می‌شود: یکی مکتب حقوقی فردی - طبیعی متأثر از فلسفه فرد محوری است و در آن، فرد، اصیل است و هدف، حفظ حقوق و آزادی‌های اوست؛ همچنین سیستم دادرسی که متناسب با آن تعریف شده و تأمین‌کننده هدف یادشده است، سیستم دادرسی اتهامی است. در مقابل، با پذیرش اصالت جمع محوری، مکتب حقوقی متأثر از این تفکر، مکتب حقوقی تحقیقی - اجتماعی است که در آن، جامعه اصیل است و هدف، حفظ امنیت و نظم عمومی جامعه است؛ سیستم دادرسی هم متناسب با آن که برای حفظ هدف مذکور تعریف شده، سیستم دادرسی تفتیشی است.

سؤالی با این پیش فرض بیان می‌شود که آیا می‌توان در اسلام نیز مکتب حقوقی و سیستم دادرسی متناسب با دیدگاه فلسفی اش مطرح کرد؟
 فقه ۱۴۰۰ سال پیش، در مباحث مربوط به آیین دادرسی که بیشتر در بخش قضا و شهادت مطرح است، گستردگی چندانی ندارد؛ لکن با کمی دقت و ریز بینی می‌توان در مقابل مکتب حقوقی و سیستم دادرسی اروپایی، نوعی مکتب حقوقی و سیستم دادرسی متناسب با فلسفه خدامحوری استخراج کرد و آن را با عنوان «مکتب حقوقی الهی - فطری و سیستم دادرسی اسلامی» مطرح کرد.

مطالب در دو گفتار بیان می‌شود:

گفتار اول - دیدگاه حقوقی اروپایی؛

گفتار دوم - دیدگاه حقوقی اسلامی.

گفتار اول - دیدگاه حقوقی اروپایی

این دیدگاه به مکاتب حقوقی و سیستم دادرسی ناظر بر آن، توجه کرده است.

مکاتب حقوقی اروپایی به دو مکتب حقوقی طبیعی و فردی، و مکتب حقوقی تحقیقی و اجتماعی تقسیم می شود:

الف) مکتب فردی - طبیعی

طرفداران این مکتب، به وجود قواعدی والا و طبیعی معتقد هستند که برتر از اراده حکومت است و حکومت ها وظیفه دارند آن قواعد را به دست آورند و از آنها حمایت کنند. در این مکتب، توجه به حقوق طبیعی انسان است، نه خداوند؛ زیرا نه تنها عقل بشر در همه حال به قواعد طبیعی حکم می کند، این حقوق لازمه شخصیت انسان و همیشه با اوست. به عبارتی، حقوق طبیعی چنان با سرشت آدمی آمیخته است که هیچ عاملی نمی تواند آن را از او جدا، و یا به دیگران منتقل سازد.

در واقع هدف حقوق طبیعی، حمایت از حقوق فردی و آزادی های انسان است. در این مکتب، آزادی، ارزش برتر است. بنابراین، آزادی فردی همیشه به صورت قاعده کلی محترم است، و حکومتی که نماینده افراد است تنها به طور استثنائی و محدود می تواند آن را سلب کند. وانگهی، بهترین وسیله تأمین سعادت جامعه، احترام به آزادی و اراده فرد است؛ آزادی سیاسی، بهترین حکومت ها را به وجود می آورد و آزادی اقتصادی بهترین وسیله تولید و توزیع ثروت ملی است. بدین ترتیب، حقوق طبیعی مجموعه قواعدی است که از حقوق فردی حمایت، و حداکثر آزادی را تأمین می کند.^۱

ب) مکتب تحقیقی - اجتماعی

طرفداران این مکتب، حقوق را ناپایدار و تحت تأثیر وضع حکومت و سیر تاریخی هر جامعه می دانند. در این مکتب، با هرگونه قواعد آرمانی و برتر از حقوق

۱. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، ص ۲۰-۲۴.

حاکم بر اجتماع مخالفت شده و توانایی عقل انسان در یافتن بهترین راه حل ها و عام بودن حقوق طبیعی، یکسره انکار گردیده است؛ انسان تنها و دور از اجتماع، موجودی خیالی است و آنچه حقیقت دارد، اجتماع و انسان ها و زندگی مشترك ایشان است؛ چگونگی همین زندگی است که باید موضوع مطالعه و گفتگو قرار گیرد. مشاهده این زندگی نشان می دهد که قواعد حاکم بر آن یکسان نیست و هر جامعه قوانین ویژه خود را دارد. هر گروه در زمان و مکان و شرایط اقتصادی و تاریخی و جغرافیایی خاص است و برای ایجاد نظم از قواعد معینی پیروی می کند. در این مکتب، حفظ نظم عمومی جامعه و مصالح و منافع اساسی آن در اولویت قرار دارد.^۲

بند دوم- سیستم دادرسی اروپایی

سیستم دادرسی اروپایی را در دو قالب می توان مشاهده کرد: سیستم دادرسی اتهامی؛ سیستم دادرسی تفتیشی.

الف) سیستم دادرسی اتهامی^۳

سیستم اتهامی، قدیمی ترین شیوه رسیدگی به دعاوی است. این سیستم از لحاظ تاریخی در خاور نزدیک (سومر و بابل)، روم، یونان قدیم و در فرانسه پس از هجوم وحشیان،^۴ به ویژه در قرن نهم میلادی وجود داشته و در حال حاضر نیز با تغییراتی چند و تحولاتی اجتناب ناپذیر، در کشورهای آمریکای شمالی، کانادا،
۲. همان، ص ۲۰-۲۶.

3. Systeme Accusatoire

۴. در سال ۳۳۰ میلادی امپراطور کنستانتین پایتخت روم شرقی را به بیزانس انتقال داد و آن را کن ستانتی نوین (قسطنطنیه) نامید. امپراطوری روم غربی در سال ۴۷۵ با هجوم وحشیان شمال اروپا و امپراطوری روم شرقی در سال ۱۴۵۳ میلادی به دست سلطان محمد فاتح منقرض گردید.

انگلستان و بسیاری از مستعمرات سابق بریتانیای کبیر، حاکم است.^۵

در واقع اولین سیستم دادرسی که در جهان به وجود آمد، سیستم دادرسی اتهامی بود. در تعدادی از کشورها داوری بر مبنای اصول و ویژگی‌های این سیستم انجام می‌شد؛ به ویژه در کشورهای غربی. پیشنهاد ایجاد این سیستم، به کشور انگلستان برمی‌گردد، اما به طور رسمی در بعضی از کشورهای غربی، مورد استقبال قانون‌گذار قرار گرفت و در مدت زمان طولانی نیز حاکمیت داشت. در حال حاضر، این سیستم علاوه بر انگلستان، در کشورهای آمریکا، استرالیا و کانادا اعمال می‌شود.^۶ دادرسی اتهامی در زمان‌های گذشته تقریباً در تمام کشورهای اروپایی معمول بوده و یک روش دادرسی عمومی به شمار می‌آمده است. در دوران گذشته، تعقیب و مجازات بزهکار، بر پایه انتقام جویی و قصاص زیان دیده از جرم قراردادداشت و معتقد بودند که با کیفر دادن بزهکار آلام کسان او (اولیای دم) تسکین می‌یابد. بنابراین، پایه و اساس دادرسی اتهامی، قصاص و انتقام شخصی بوده است.

به نظر پروفیسور بوزا، دادرسی اتهامی، خود از مراحل و سیستم‌های تکامل یافته آیین دادرسی کیفری است؛ زیرا به موجب این روش، انتقام‌گیری شاکی خصوصی تحت قاعده و قانون درآمده در برابر یک نفر شاهد قرار می‌گیرد. این شاهد همان قاضی است.^۷ در یونان و روم قدیم، دادرسی اتهامی به طور کامل مجری بوده است؛ بعدها با کم و بیش تغییر و تحول، در حقوق کشورهای گروه آلمان و اتریش وارد می‌شود و سپس حقوق کشور فرانسه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. در دوران معاصر، این سیستم در هیچ کشوری به طور کامل و سستی

۵. آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۲۶-۲۷.

۶. جویباری، رجب گلدوست، کلیات آیین دادرسی کیفری، ص ۲۳.

7. Bouzai et pinatel

مطلق خود اجرا نمی شود و حتی در کشور انگلستان که افراد جامعه برای آداب و سنن تاریخی اهمیت بیشتری قائلند و به حفظ آنها علاقه مندند، دادرسی اتهامی به شیوه قدیمی آن اجرا نمی شود.

به ویژه از سال ۱۸۸۶ پیگیری جرائم را به مقامات خاص واگذار کرده اند که مانند قضات دادسرا در نظام فرانسوی، جرائم را پیگیری می کنند. به عبارت دیگر، از این حیث و از جهات متعدد دیگر، روش اتهامی را کنار گذاشته اند، ولی به هر حال، بسیاری از اصول مهم آن، هنوز هم در انگلستان و ممالک متحده آمریکای شمالی وجود دارد.^۸

دادرسی اتهامی اصولاً به کشورهای اختصاص دارد که نوع حکومت و نظام سیاسی آنها مبتنی بر دموکراسی باشد. علاوه بر این، دیگر خصوصیت این سیستم دادرسی، این است که بیشتر در جهت رعایت حقوق و آزادی های فردی که در قانون اساسی کشورها تضمین شده، گام برمی دارد.^۹ بنابراین از نظر سیاسی، دادرسی اتهامی با رژیم مردم سالاری، رژیم هایی که شرکت گسترده شهروندان در امور عمومی را تنظیم می کنند، و برای فرد و حقوق وی در برابر دولت جایگاهی والا قائل هستند، سازگاری دارد. این دادرسی منافع شخص تحت تعقیب را به طور بسیار مؤثر تضمین می کند. در واقع دلیل نام گذاری این نوع دادرسی، این است که به ابتکار متهم کننده آغاز شده و در تمام مدت دادرسی، مباحثه بین شخصی که تعقیب می شود و حریف او که متهم می کند، جریان دارد.^{۱۰}

در این سیستم، از حقوق متهم به بهترین شکل دفاع می شود؛ چرا که وی در

۸. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۵۱-۵۲.

۹. جویباری، رجب گلدوست، کلیات آیین دادرسی کیفری، ص ۵۳.

۱۰. استفانی، گاستون و ...، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۵۳.

کمال آزادی و برابری، از خودش در مقابل شاکی^{۱۱} دفاع می‌کند. اما متأسفانه در این سیستم منافع جامعه در خطر است؛ چرا که در واقع مجرم هرگز نه از شاکی بیم دارد که به سبب ترس با بی‌علاقگی و یا منافعش از اقامه دعوا صرف نظر می‌کند؛ و نه از قاضی؛ زیرا قاضی نیز امکانات اندکی برای تحقیقات دارد.^{۱۲}

ویژگی‌های این سیستم به شرح ذیل است:

۱. ضرورت طرح شکایت از سوی شاکی

در این سیستم، به علت تفکیک نشدن دقیق مجازات از جبران خسارت، که خود نتیجه تفکیک نشدن نظم عمومی از منافع فردی است، تعقیب متهم فقط در صورتی امکان‌پذیر است که زیان دیده از جرم به قاضی مراجعه و شکایت کند. این قاعده معروف و قدیمی که در صورت فقدان شاکی، قاضی حق دخالت ندارد^{۱۳}، به وضوح نقش زیان دیده از جرم را، در تعقیب بزهکاری در سیستم اتهامی نشان می‌دهد. در این سیستم، برای جلوگیری از طرح شکایت‌های ناروا، شاکی را سوگند می‌دادند که از دعوای خود تا پایان محاکمه صرف نظر نکند؛ در غیر این صورت، به مجازات اتهامی که به دیگران وارد آورده یا حسب مورد، به مجازات دیگری محکوم می‌گردد.

چنان که از نام این نوع دادرسی برمی‌آید، تعقیب به وسیله واردکننده اتهام آغاز می‌شود. متهم کننده به مقام عمومی مراجعه می‌کند و ارتکاب جرم را به حریف خود نسبت می‌دهد.

11. L'accusateur

۱۲. ژان لارگیه، آیین دادرسی کیفری فرانسه، ص ۲۳.

۱۳. این قاعده در زبان آلمانی با عبارت «Kleiger Kein Richter Ohne»، و در زبان فرانسوی با عبارت «Fautede Pleignant Pasde Judge» بیان شده است.

چه کسی می تواند متهم کننده باشد؟

در گذشته های بسیار دور، این حق منحصرأ متعلق به قربانی جرم و نزدیکان او بود. اقدام با دعوای مدنی، فرق بسیار کمی دارد. در سیستمی که هدایت دادرسی جزایی با متهم کننده خصوصی است، انصراف آن بر اثر معامله یا به هر دلیل دیگر، جنایات را بدون مجازات باقی می گذارد. از این رو در حقوق یونان و روم، متهم کننده باید برای تعقیب متهم تا صدور رأی قسم یاد کند. از سوی دیگر، اتهام، خطرهای شدیدی داشت. الزام به ابتکار تعقیب و تحمل بار قضایی و مالی هدایت تعقیب، به عهده متهم کننده بود. با اجرای نظریه قصاص، متهم کننده بیشتر اوقات، در صورت معافیت متهم، در معرض مجازات های اتهامی قرار می گرفت که به متهم وارد کرده بود. همه کشورهایی که این نوع دادرسی را به کار بردند، ناچار از پیش بینی نارسایی ممکن اتهام بوده و کوشیده اند جایگزینی برای آن قرار دهند. فوستن هلی^{۱۴} می گوید: در فرانسه از قرن سیزدهم، در اطراف دادگاه های مختلف، طبقه ای از مأموران متعدد و دادستان ها حضور داشتند که وظیفه نمایندگی طرفین را در دادگستری برعهده می گرفتند. ارباب ها خودشان یک دادستان داشتند و از اواسط قرن چهاردهم، دادستان پادشاه نیز حضور یافت که در دادرسی جزایی ما مستقر شد و ابتکار تعقیب، مستقل از متهم کننده خصوصی (۲۸ دسامبر ۱۳۵۵) به او واگذار گردید. بدین ترتیب، هنگام گسترش قدرت پادشاهی یک نهاد متهم کننده متخصص، مأمور نمایندگی موضوعی برای منافع اجتماعی ایجاد می شود که ما آن را دادسرا می نامیم.^{۱۵}

البته در کشورهایی که سیستم اتهامی را پذیرفته اند، ابتدا شهروندان، به طور خصوصی اقدام به تعقیب می کردند؛ ولی به تدریج، کار تحقیق در خصوص

15. Faustin Helie

۱۵. استفانی، گاستون و ...، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۵۴.

جرائم کیفری، به نهادهای کیفری و مأموران دولت، یعنی پلیس واگذار شد. آغاز جریان رسیدگی، با دادستان است که معمولاً حق گزینش دارد؛ بدین معنا که می تواند قضایایی را انتخاب کند که به نظر وی شرح آن در دادگاه ارزش دارد. به محض آغاز جریان رسیدگی، سایر افراد خصوصی، جز در مقام شاهد، دیگر نقش دیگری نخواهند داشت.^{۱۶} بنابراین در این سیستم، تعقیب متهم بر عهده مدعی خصوصی فرد زیان دیده از جرم است و تا زمانی که مدعی خصوصی یا شاکی، اقامه دعوی یا طرح شکایت نکند، دستگاه قضایی وظیفه ای در تعقیب متهم ندارد. در همین راستا، بار اثبات دعوی بر دوش مدعی است و قاضی وظیفه ای در جمع آوری دلایل ندارد؛ بلکه شخص شاکی ملزم است که شواهد ارتکاب عمل مجرمانه را به دادگاه عرضه کند. دادگاه نیز بر همین اساس رسیدگی و قضاوت می کند. بی طرفی کامل قاضی در این سیستم رعایت می شود.^{۱۷}

۲. شفاهی^{۱۸} بودن رسیدگی

در این سیستم، دادرسی به صورت شفاهی انجام می شود؛ یعنی هیچ گونه الزامی وجود ندارد که دلایل و دفاعیات به صورت مکتوب تنظیم شود؛ بلکه قاضی می تواند بر اساس شنیده های شاکی و دفاع متهم در جلسه دادگاه، رسیدگی و حکم صادر می کند. البته این امر بدین معنا نیست که هیچ مطلبی مکتوب نشود. ممکن است منشی دادگاه دلایل شاکی و دفاعیات متهم را صورت جلسه کند.^{۱۹} بنابراین به علت محروم بودن مردم از نعمت سواد و کتابت، دادرسی با بیان شفاهی ادعای

۱۶. کاسسه، آنتونیو، حقوق بین المللی کیفری، ص ۴۵۳.

۱۷. گلدوست جویباری، رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، ص ۲۴.

18. Oralei

۱۹. گلدوست جویباری، رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، ص ۲۴.

شاکی و دفاع حضوری متهم صورت می پذیرفت.^{۲۰}

بدین ترتیب، در این سیستم پرونده کتبی وجود ندارد؛ اظهارات طرفین دعوی نوشته نمی شود؛ شاکی خصوصی به طور شفاهی اعلام شکایت می کند و متهم نیز به همان صورت دفاع می کند.^{۲۱}

۳. علنی بودن محاکمات^{۲۲}

منظور از علنی بودن محاکمه، این است که افراد جامعه می توانند در جلسات دادگاه حاضر شوند و صحنه قضاوت را از نزدیک تماشا کنند؛ اظهارات طرفین را بشنوند؛ از جریان دادرسی به طور کامل آگاه شوند و آن را ارزیابی کنند. با این روش، احکام بلافاصله بعد از صدور، در اختیار افکار عمومی قرار می گیرد.^{۲۳}

بدین ترتیب، همه کسانی که اجازه شرکت در محاکمه را دارند می توانند در جلسه دادرسی حضور یابند و محاکمه را مشاهده کنند. در روم قدیم، محاکمه در بازار عمومی شهر صورت می گرفت و در دوره جمهوری، روزهایی که محاکمه می بایست در آن انجام می شد،^{۲۴} بر مبنای محاسبات نجومی و با توجه به ایام سعد و نحس تعیین می گردید و به اطلاع عموم می رسید.

طبق سنن ژرمنی، شاکی از متهم دعوت می کرد که ظرف هفت روز در مقابل شهود او ظاهر شود و رسیدگی، در حضور همه کسانی صورت می گرفت که مایل به شرکت در محاکمه بودند.^{۲۵}

۲۰. آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۲۸.

۲۱. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۵۰.

22. Publiquee

۲۳. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۵۰.

24. Dies Fast

۲۵. آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۲۸.

۴. تدافعی^{۲۶} بودن رسیدگی

محاکمه به صورت تدافعی انجام می شود؛ بدین معنا که شاکی خصوصی اعلام جرم می کند و متهم از خود دفاع می کند. مدعی خصوصی و متهم، هر دو مانند خواهان و خوانده در دعوای عمومی در یک محل قرار می گیرند و مرافعه می کنند. حتی تحقیق از شهود را نیز طرفین انجام می دهند، نه قاضی.^{۲۷}

هم شاکی و هم متهم، در اقامه دعوی آزادی کامل دارند. در همان جلسه اول، متهم از شواهدی که علیه او عرضه گردیده، مطلع می شود و می تواند از همان ابتدا وکیل خود را معرفی کند. بنابراین، حق دفاع متهم در این سیستم به خوبی تضمین شده است.^{۲۸} بدین ترتیب، شاکی باید ادله موجود علیه متهم را تا جلسه دادرسی عرضه کند. به علت فقدان مرحله بازپرسی یا بازجویی مقدم بر جلسه محاکمه، متهم دست کم در جلسه رسیدگی، از همه اتهامات و ادله مثبت آن اطلاع می یافت و درباره این ادله آزادانه بحث و گفتگو می شد. پس از دفاع متهم و پایان پذیرفتن تحقیقات دادگاه، قاضی که حکم محسوب می شد، با در نظر گرفتن ادله طرفین، به صدور حکم اقدام می کرد.^{۲۹}

۵. خصوصیات قاضی

شخصی که به موضوع اتهام رسیدگی می کند، قاضی حرفه ای نیست و در امر دادرسی کیفری، اطلاعات قضایی ویژه ای ندارد. در حقیقت، افراد عادی که هم طبقه خود متهم هستند، او را محاکمه و مجازات می کنند.^{۳۰}

26. Contraditoires

۲۷. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۵۱-۵۰.

۲۸. گلدوست جویباری، رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، ص ۲۵.

۲۹. آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۲۸.

۳۰. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۵۰.

در این سیستم، چون مبتنی بر اصول دموکراسی است، همانند دیگر امور اجتماعی که مشارکت عمومی در آنها پذیرفته شده، این امکان وجود دارد که قضات از میان افراد جامعه انتخاب شوند. در گذشته دور، الزامی نبود که قضات از میان متخصصان حقوق انتخاب شوند؛ البته این موضوع در سال های اخیر، به دلیل تخصصی شدن کار قضاوت، تعدیل شده است. در حال حاضر، در کشورهایی که مبتنی بر این سیستم دادرسی هستند، مثل انگلستان، قضات از میان وکلایی انتخاب می شوند که دارای حداقل پنج سال سابقه کار باشند.^{۳۱}

۶. اقناع وجدان قاضی^{۳۲}

اصل اقناع وجدان، در این سیستم کارایی بالایی دارد. قاضی، قدرت ارزیابی دلایل را دارد و حتی می تواند برخلاف ادله قانونی رای صادر کند. بنابراین، اگر کسی را به عنوان مرتکب جرم نزد او آورده اند و اقرار هم کرده باشد، اما برای قاضی علم حاصل نشده باشد که این فرد مرتکب جرم شده، بلکه علم حاصل شود که فرد دیگری مرتکب جرم گردیده است، قاضی می تواند برخلاف اقرار شخص مقرر، رای صادر کند؛ زیرا ارزیابی دلایل و اقناع وجدان، برعهده قاضی است.^{۳۳}

۷. فقدان رسیدگی پژوهشی

قضات همانند داوران بی طرف، صحنه مرافعه را تماشا می کنند و پس از شنیدن سخنان طرفین، دلایل را بررسی، و آن گاه مبادرت به انشای رای می کنند.

۳۱. گلدوست جویباری، رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، ص ۲۵.

32. L'intime Convictione

۳۳. گلدوست جویباری، رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، ص ۲۵.

رای صادره قطعی است. ۳۴

در این سیستم، پژوهش خواهی محدود است. رسیدگی پژوهشی به معنای تجدید محاکمه نیست. دادگاه پژوهشی از قضات مجرب، بدون هیئت منصفه، تشکیل شده است. معمولاً قضات پژوهش، در خصوص مسائل حکمی رای می دهند؛ برای مثال، رهنمودهای غلط قاضی بدوی به هیئت منصفه نسبت به موضوعات را نمی توان دوباره رسیدگی کرد، مگر اینکه پژوهش خواه ادعا کند که موضوعات در رهنمودهای قاضی به هیئت منصفه، به نحو فاحشی اشتباه ارائه، و به اجرا نشدن عدالت منجر گردیده است. ۳۵

ب) سیستم دادرسی تفتیشی^{۳۶}

از دیدگاه تاریخی، سیستم تفتیشی پس از سیستم اتهامی پدید آمده است. ۳۷ اگرچه در بسیاری از کشورهای اروپایی، به ویژه از قرن چهاردهم، دادگاه ها به این سیستم متوسل شده اند و سابقه پیدایش آن به عملکرد دادگاه های کلیسایی باز می گردد. در سال ۳۱۱ میلادی و در دوران سلطنت کنستانتین اول که روم به مسیحیت گرایید، قضات رومی برای صیانت از اصول مورد تأیید کلیسا و جلوگیری از انحطاط اخلاقی و انحراف برخی از روحانیان دین مسیح و نیز پرهیز از رسیدگی علنی به جرایم آنان که سبب بی اعتمادی عمومی کلیسا شدند، رسیدگی به اتهامات روحانیان را به شیوه ای هدایت کردند که با روش تحقیقات عادی

۳۴. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۵۱.

۳۵. آنتونیو کاسسه، حقوق بین المللی کیفری، ص ۴۶۳.

36. Syste'me Inquisitoiren

۳۷. در روم قدیم و نیز در کشورهای اروپایی از قرن دوازدهم به بعد متعاقب بر دستور شورای عالی کلیسا مبنی بر تعقیب و مجازات ملحدان و جادوگران، دادرسی بر مبنای قواعد نظام تفتیشی صورت پذیرفته است.

متفاوت بود و از این رو آن را غیرمتداول نامیدند^{۳۸}.

این روش که در آن، عقاید متهم^{۳۹} به صورت غیر علنی تفتیش می شد، مورد تأیید پاپ انیوسان سوم^{۴۰} قرار گرفت و در اواخر قرون وسطی نه فقط در رسیدگی به اتهامات روحانیان و ملحدان، بلکه در مورد محققان و دانشمندان نیز به کار گرفته شد. دادگاه‌های انکیزیسیون، یادگار این دوره تاریک از تاریخ اروپاست که به نام مذهب، خاطرات تلخی در اذهان جهانیان به جای گذاشته است. البته در سیستم اتهامی مرحله تحقیقات مقدماتی یا بازپرسی وجود نداشت و هرگونه تحقیق و تفحص در جلسه دادگاه انجام می شد. برعکس در نظام تفتیشی قرون وسطی، تحقیقات مقدماتی گسترش یافت، تا آنجا که قسمت اعظم وقت مقامات، صرف تهیه دلیل و مقدمات رسیدگی می شد؛ جلسه رسیدگی تا حدودی جنبه تشریفاتی داشت و در بسیاری از موارد، برای اعلام نتایج به دست آمده قبلی، تشکیل می گردید. ایجاد و تحکیم دولت های محلی و نیاز آنها به اعمال قدرت، سبب شد که پس از انتقال یافتن امر قضا از دادگاه های مذهبی به قضات عرفی، آیین دادرسی تفتیشی در رسیدگی های کیفری دادگاه های عرفی استفاده شود.

در تاریخ حقوق کشورهای اسلامی نیز با سرکار آمدن امویان و عباسیان، در موارد عدیده شاهد توسل دستگاه قضایی به شیوه رسیدگی تفتیشی هستیم.^{۴۱} ریشه های سیستم تفتیشی به امپراطوری روم قدیم می رسد. در آغاز پیدایش، این روش، مختص محاکمه بردگان و افراد طبقه پست بود که مرتکب جرم می شدند. در حقیقت، این روش، یک نوع دادرسی فوق العاده و استثنایی و مختص طبقات

38. Extra Ordinem

39. Per Inquisitioneme

40. Pap Innosantm

۴۱. آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۳۶-۳۷.

معینی از افراد جامعه بوده است؛ در حالی که دادرسی اتهامی، روش معمول و عمومی محاکمات کیفری به شمار می آمده است. در اوایل قرن سیزدهم، پاپ انیوسان سوم تصمیم گرفت روش دادرسی تفتیشی را در دادگاه های مذهبی و کلیساها اجرا کند. هدف از این امر، گسترش اختیار کلیساها بود. از این تاریخ، مقامات کلیسا به محض اطلاع از وقوع جرم های مذهبی مانند کفر، لعان و زنای محصنه و غیره، که در صلاحیت دادگاه های مذهبی بود، خودشان دست به کار می شدند و به تعقیب و محاکمه متهم مبادرت می ورزیدند.

روش دادگاه های مذهبی کم کم حقوق عرفی را تحت تاثیر قرار داد و طرفداران بسیاری یافت و بعد به طور رسمی برای محاکمه جرایم مهم اجرا شد؛ همچنان که در کشور فرانسه، در مراحل نخستین پذیرش این سیستم، قضات از همان آغاز، اقدام به محاکمه می کردند و اختیار ترك پیگیری آن را هم داشتند. لیکن بعد از مدتی، حق پیگیری جرایم به قضات مخصوص محول شد که ابتدا به اسم نماینده شاه، و بعد با عنوان وکلای عمومی، و بالاخره با نام دادستان، جرایم را پیگیری می کردند. در حال حاضر، این نمایندگان، وظایف دادسرا را انجام می دهند و تعقیب جرایم به نام جامعه به عهده آنان است.

روش تفتیشی با تغییراتی به نفع متهم، در کشور اسپانیا حکم فرماست. همچنین قواعد آیین دادرسی کیفری کشور پرتغال و بعضی از ممالک آمریکای جنوبی مانند بولیوی، آرژانتین، مکزیک و ونزوئلا، به شدت تحت تاثیر برخی از اصول دادرسی تفتیشی قرار گرفته است.^{۴۲} البته با پیدایش رژیم های استبدادی مثل حکومت موسیلمانی در ایتالیا و حکومت هیتلر در آلمان و حکومت استالین در اتحاد جماهیر شوروی شیوه رسیدگی به طریق این سیستم در این کشورها مشاهده می شود.^{۴۳}

۴۲. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۵۵۵۴.

۴۳. رجب گلدوست جویباری، کلیات آیین دادرسی کیفری، ص ۲۷.

از نظر سیاسی، دادرسی تفتیشی خواسته و مطلوب دولت متمرکز بوده است؛ به ویژه اگر رژیم میل به استبداد داشت و منافع جامعه و نیز منافع دولتی و حتی اختصاصی خود را به منافع افراد ترجیح می داد. توضیح اینکه این دادرسی می کوشد از رعایت اغراق آمیز حقوق فردی جلوگیری کند؛ در نتیجه تبهکاران که شایستگی همه تضمین های شهروندی را ندارند، مجازات نمی شوند. این دادرسی پیش از هر چیز، در پی مؤثر بودن است و برای تحقق آن، همیشه تا اندازه ای وسایل را توجیه می کند.^{۴۴}

در واقع به دلیل احساس نیاز به یک سیستم سرکوب گرانه، سیستم دادرسی تفتیشی پذیرفته شد.^{۴۵} در این سیستم، قاضی یک مأمور عمومی و دائمی است که اصحاب دعوی نقشی در انتخاب وی ندارند. او می تواند مستقیماً دعوای کیفری را به تعویق بیندازد و دادسرا^{۴۶} نیز در اینجا شاکی خصوصی به شمار می رود. دستگاه کیفری در این سیستم بسیار قدرتمند است؛ زیرا دفاع از منافع جامعه امری مغتنم محسوب می شود. در این نوع دادرسی، اشتباه قاضی ممکن است خسارت زیادی به همراه داشته باشد. در اینجا است که گفته می شود ابتکار اقامه دعوا را نباید به بزه دیده^{۴۷} سپرد؛ زیرا تقریباً صالح ترین شخص برای این امر، منحصرأ خود قاضی است.^{۴۸}

ویژگی های سیستم دادرسی تفتیشی:

۴۴. استفانی، گاستون و ...، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۶۱.

۴۵. این دادرسی را ابتدا کلیسا در مورد تفتیش عقاید اعمال کرد و سپس حکمرانان نیز آن را به کار بردند.

46. Leministere Public

47. La Avictimei

۴۸. لارگیه، ژان، آیین دادرسی کیفری فرانسه، ص ۲۳-۲۴.

۱. ضرورت نداشتن طرح شکایت از سوی شاکی

در این سیستم، اقامه شکایت برعهده شاکی نیست به ویژه در جرایمی که جنبه عمومی ندارد، پیگیری موضوع کیفری و تحقیق و جمع آوری دلایل به عهده قاضی تحقیق است.^{۴۹} در واقع مقام و مرجع خاصی وجود دارد که عهده دار تعقیب جرایم است. در نتیجه، اختیار تعقیب بزه ها، در بعضی موارد از اراده شاکی خصوصی خارج می شود و بدون شکایت او نیز تحت پیگرد قرار می گیرد. از نتایج بسیار مهم این روش، پیدایش نظریه معروف تقسیم بزه ها به جرایم ارتكابی علیه منافع حکومت و جامعه، و جرایم ارتكابی علیه منافع خصوصی افراد است. این تقسیم بندی، در قوانین امروزی آیین دادرسی کیفری اهمیت ویژه ای دارد. جرایم نوع اول، نا بخشودنی، و جرایم نوع دوم اصولاً بخشودنی است. در حقیقت، تقسیم بزه ها به جرایم بخشودنی و نا بخشودنی، اندیشه تکامل یافته این دوران است.^{۵۰}

در سیستم های تفتیشی، یا پلیس تحقیقات را انجام دهد یا مجنی علیه که موضوع را به پلیس گزارش می دهد؛ و یا دادستان به محض اطلاع یافتن از ارتكاب جرم کیفری، به طور مستقل عمل می کند. در کشورهای مثل آلمان و ایتالیا (در گذشته) دادستان، مکلف بود به محض دریافت خبر جرم، یعنی پس از اطلاع از احتمال ارتكاب جرم کیفری، تحقیقات خود را آغاز کند. در صورتی که تحقیقات برای انجام رسیدگی کافی بود، وی به طور قانونی مکلف می شد محاکمه را آغاز کند. به عبارت دیگر، او صاحب اختیار نبود. در بعضی کشورها همانند فرانسه، مجنی علیه یا حتی یک سازمان خصوصی مثل اتحادیه های کارگری، مؤسسات و غیره، اگر مدعی شوند که بر اثر جرم کیفری مورد ادعا، لطمه خورده اند و به

۴۹. رجب گلدوست جویباری، کلیات آیین دادرسی کیفری، ص ۲۷.

۵۰. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۵۳.

صورت مدعی خصوصی وارد دعوا شوند، می توانند قضیه را پیگیری، و بدین وسیله ادعای خسارت خود را نزد دادگاه کیفری طرح کنند.^{۵۱}

۲. کتبی بودن^{۵۲} رسیدگی

رسیدگی در این سیستم، کتبی است. پیشرفت زمان و آشنایی قضات مذهبی با کتابت، در موفقیت این سیستم، نقش اساسی ایفا کرده است.^{۵۳} در این سیستم همه گفته ها و مباحث نوشته می شود.^{۵۴} منظور از کتبی بودن رسیدگی، این است که از همان مراحل آغاز تحقیق و تعقیب، هر اقدام قضایی که در پرونده صورت می گیرد، باید به صورت مکتوب و مندرج در پرونده باشد؛ از جلب متهم گرفته تا صدور کیفرخواست و نیز صدور رأی. در هر مرحله از تحقیق، هر اقدام قضایی از قبیل بازجویی، تحقیق محلی، ارجاع به کارشناسی، و گزارش های ضابطین دادگستری، باید در پرونده باشد. ادعای شاکی و دفاع متهم نیز باید کتبی باشد.

۳. علنی نبودن محاکمات^{۵۵}

نحوه داورى در این سیستم اصولاً سرّی است. بنابراین، اصل بر محرمانه بودن دادرسی است مگر در جایی که خود قاضی تشخیص دهد که دادرسی باید به صورت علنی برگزار شود.^{۵۶} افراد جامعه حق ورود به جلسه دادرسی را ندارند از این رو نمی توانند از جزئیات آنچه در دادرسی ها می گذرد مطلع شوند و احکام

۵۱. آنتونیو کاسسه، حقوق بین المللی کیفری، ص ۴۵۴.

52. E'critee

۵۳. آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۳۷.

۵۴. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۵۴.

55. Secre'tee

۵۶. رجب گلدوست جویباری، کلیات آیین دادرسی کیفری، ص ۲۸.

صادر شده را به درستی تجزیه و تحلیل کنند و از به بی طرفی و عدالت قاضی اطمینان خاطر یابند.^{۵۷} حضور نیافتن مردم در رسیدگی های کیفری و برگزاری دادگاه با حضور قاضی و متهم، دست قضات رسیدگی کننده را در تصمیم گیری به میل خود باز می گذارد.^{۵۸}

۴. غیرتدافعی^{۵۹} بودن رسیدگی

در سیستم دادرسی تفتیشی، دادرسی به صورت غیرتدافعی است؛ بدین معنا که اختیارات شاکی و متهم محدود به موارد قانونی است و اختیار و آزادی تام ندارند؛ زیرا قضات تحقیق وجود دارند که وظیفه جمع آوری دلائل و عرضه آنها به دادگاه را برعهده دارند. آنها همانند دادپار و بازپرس در نظام دادرسی مختلط هستند.

بر خلاف سیستم اتهامی که شاکی و متشاکی در مقابل هم قرار می گرفتند، در سیستم دادرسی تفتیشی چنین نیست؛ زیرا نقش اساسی بر عهده مقامات قضایی است که در روز دادگاه حاضر می شوند و دلائل ارتکاب جرم را به محضر دادگاه ارائه می کنند. در این سیستم طرفین حق معرفی وکیل را ندارند به ویژه متهم؛ زیرا سیستم مزبور مبتنی بر نظام استبدادی است و در جهت رعایت حقوق و آزادی های فردی نیست؛ چرا که هدف از دادرسی در این سیستم، حفظ منافع حاکمیت و نظام سیاسی حاکم است.^{۶۰}

در این سیستم، بر خلاف دادرسی اتهامی، مباحثه و مجادله بین شاکی

۵۷. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۵۴.

۵۸. همان، ص ۳۸-۳۷.

59. Non Contradictioiree

۶۰. رجب گلدوست جویباری، کلیات آیین دادرسی کیفری، ص ۲۸.



خصوصی و متهم جریان نمی‌یابد. به جای مدعی خصوصی، افرادی که نمایندگان جامعه هستند و شغلشان تعقیب جرایم است (مدعی العموم) در محاکمه شرکت می‌کنند و در برابر متهم قرار می‌گیرند. بدیهی است موقعیت طرفین دعوی نیز یکسان نیست و نمایندگان حکومت از موقعیت بهتری برخوردارند.^{۶۱}

تدافعی نبودن رسیدگی، مهم‌ترین ویژگی سیستم تفتیشی است. بی‌اطلاعی متهم از اتهامات و دلائلی که در غیاب او جمع‌آوری شده و عدم حضور و دخالت وکیل مدافع، حق دفاع متهم را به حداقل می‌رساند و امکان برگزاری یک دادرسی عادلانه را از بین می‌برد. در مجموع در این سیستم، اصل بر گناهکاری متهم است مگر اینکه او قادر باشد خلاف آن را اثبات کند.^{۶۲}

۵. خصوصیات قاضی

در این سیستم، خلاف سیستم اتهامی، قاضی کیفری فردی حرفه‌ای است که در رسیدگی‌ها نقش فعالی دارد. همین نقش فعال و مهم قاضی است که به مرحله تحقیقات مقدماتی یا بازپرسی، - که مشابه آن در سیستم اتهامی مشهود نیست -، اهمیت بسزایی می‌دهد.^{۶۳} قضات از بین افراد معمولی برگزیده نمی‌شوند بلکه از میان اشخاصی انتخاب می‌شوند که اطلاعاتی در امر قضا و دادرسی دارند. منصب قضاء شغل مقدس و وظیفه ملی و عمومی به شمار می‌آید. کسی که به این سمت برگزیده می‌شود سزاوار احترام است. در این سیستم دادرس فقط به امر قضاء اشتغال دارد. به عبارت دیگر، قاضی مجاز نیست با داشتن مسند قضا حرفه دیگری داشته باشد.^{۶۴}

۶۱. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۵۳-۵۴.

۶۲. همان، ص ۳۸.

۶۳. همان، ص ۳۷.

۶۴. همان، ص ۵۳.

قاضی الزاماً باید از میان افراد تحصیل کرده و صاحب تجربه در علم حقوق انتخاب شود؛ چرا که قضاوت از دیدگاه این نظام امری تخصصی و فنی است که فقط از عهده تحصیل کردگان حقوق بر می آید نه از افراد عادی یا دیگر متخصصان در رشته های دیگر.^{۶۵}

۶. سیستم دلایل قانونی^{۶۶}

در این سیستم قاضی که نقش مؤثری در بررسی دلایل ایفا می کند، تنها مسئول ارزشیابی دلایل از پیش تعیین شده است.^{۶۷} روش ارزیابی ادله قانونی توسط قاضی وجود ندارد. قاضی باید بر مبنای ادله قانونی قضاوت کند و به عبارت دیگر، حق استناد به دلایلی که قانونگذار آنها را در شمار ادله احصا نکرده، ندارد. لذا قاضی حق ندارد خلاف ادله قانونی قضاوت کند. در جایی که شهادت به عنوان ادله پذیرفته شده است، حتی اگر کاذب باشد، قاضی باید به استناد آن رأی صادر نماید و مسئولیتی از این نظر بر عهده وی نیست.^{۶۸} قضات نمی توانند متهم را محکوم کنند مگر در صورت احراز دلایلی که قانون معین کرده است. به عبارت دیگر، در این روش سیستم دادرسی دلایل قانونی وجود دارد. اقرار، شاه دلیل محسوب می شود، برای اخذ اقرار دادرسان از اختیارات خاصی بهره مندند و حتی می توانند با توسل به شکنجه متهم را به اقرار وادارند.^{۶۹}

۶۵. رجب گلدوست جویباری، کلیات آیین دادرسی کیفری، ص ۲۸.

66. Les Preuves Le'galese

۶۷. ژان لارگیه، آیین دادرسی کیفری فرانسه، ص ۲۴.

۶۸. رجب گلدوست جویباری، کلیات آیین دادرسی کیفری، ص ۲۹.

۶۹. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۵۴.

۷. رسیدگی پژوهشی

در سیستم تفتیشی، رسیدگی پژوهشی ممکن است متضمن نوعی محاکمه مجدد باشد، چنانکه همان ادله مجدداً بررسی و به استدلال های حقوقی رسیدگی می شود. خلاصه اینکه، رسیدگی پژوهشی به معنای استماع مجدد پرونده به صورت کامل است. به علاوه دادرسان و متهم به سادگی می توانند درخواست تجدیدنظر در حکم محکومیت یا مجازات را کنند، و دادستان می تواند همچنین درخواست پژوهش در قبال حکم تبرئه را بنماید.^{۷۰}

بر اساس نظر یکی از مراجع برجسته علم حقوق دو دلیل برای اتخاذ این شیوه در نظام حقوق نوشته وجود دارد: اول، تعقیب جرائم در این نظام یک روند مداوم است، در حالیکه در کشورهای «کامن لا» گرایش به این است که با آن به عنوان یک واقعه منفرد برخورد شود؛ دوم، اعضای دستگاه قضایی (غالباً دادستان ها و قضات) متخصصانی هستند که در یک نظام سلسله مراتب کار می کنند. بنابراین، بدیهی است که دادگاه های بالاتر باید معمولاً آنچه را که ادعا می شود دادگاه های پایین تر انجام داده اند مجدداً بررسی کنند.^{۷۱}

گفتار دوم- دیدگاه حقوقی اسلامی

مکتب حقوقی اسلامی (مکتب الهی- فطری)

به نظر طرفداران این مکتب، خاستگاه قوانین الهی اراده پروردگار و حاکم بر جهان هستی است که عقل ناقص بشری به آن دسترسی ندارد؛ بلکه تنها آفریدگار و فرستادگانش از دریچه وحی به آن آگاهند. در این مکتب، منبع حقوق فطری اراده

۷۰. آنتونیو، کاسسه، حقوق بین المللی کیفری، ص ۴۵۴.

71. The Faces Of Justice and State Authority-Acomporative Approach to the Legal Process .

خداوند است و هدف از اجرای این حقوق اقامه عدل و مهربانی است. این قوانین چنان با طبیعت امور و فطرت بشر سازگار است که عقل هر کس بی هیچ واسطه بر آن حکم می کند و به اندازه ای طبیعی و عادلانه است که هیچ مقامی نمی تواند منکر آن گردد. بنابراین، حقوق فطری، تغییر ناپذیر و عام است و تغییر مکان و زمان به اعتبار آن خلل نمی رساند. ۷۲ هدف اساسی این مکتب، اجرای دستور و اوامر الهی و کسب رضایت اوست.

بند دوم- سیستم دادرسی اسلامی ۷۳

شریعت مقدس اسلام برای نخستین بار در تاریخ جهان بشریت، مسئولیت کیفری متهمان را مورد توجه خاص قرار می دهد. چنان که صغار و مجانین را از کیفر معاف می کند. مفاهیم قصد و اراده را وارد قلمرو مسئولیت کیفری می نماید و آن را مبنای سنجش اعمال مجرمانه می شناسد و پایه و اساس مسئولیت کیفری را بر آن می نهد. همچنین با قبول اصل قانونی بودن جرم و مجازات و تشریع و تبیین اصول دادرسی های کیفری به روش های خود کامه استبدادی موجود پایان می بخشد و تحمّل مجازات به خاطر اعمال دیگران را رد می کند. قضا و دادرسی را به عنوان منصبی والا می نگرد که مخصوص انبیاء و اولیاست و اجازه نمی دهد افراد ناشایست و غیر صالح به این مهم اشتغال ورزند و آن را از مسیر حق و قانون و عدالت منحرف سازند. همچنین شرایط اشتغال به امر دادرسی را به طور دقیق تعیین می نماید، حتی شیوه جریان دادرسی و آداب آنرا مشخص می کند تا تکلیف قاضی، شاکی و متهم کاملاً روشن باشد. در باب رسیدگی های کیفری روشی بسیار ساده و آسان و در عین حال معقول و اصولی بر می گزیند؛ چنان روشی که

۷۲. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، ص ۲۱.

داد مظلوم را بستانند و از اجحاف به وی جلوگیری کند.

قواعد دادرسی کیفری در نظام حقوق اسلامی، با آنچه در دنیای خارج از اسلام می‌گذرد، متفاوت است. این قواعد در عین ساده و کامل بودن با روش‌های دادرسی اتهامی و تفتیشی سنخیت ندارد. در واقع اصول دادرسی کیفری اسلامی نه از قواعد حقوق روم تبعیت کرده و نه برگرفته از قواعد حقوقی دیگر سیستم‌های قدیمی است، بلکه حقوقی مستقل و بالذات است. فقهای اسلامی با ایمان راسخ به خدای یکتا، اعتقاد به اختصاص داشتن حاکمیت و تشریع به پروردگار، قبول منبع وحی برای قواعد حقوقی و کامل دانستن شریعت نه فقط نیازی نداشتند که قوانین ملل و اقوام دیگر را سرمشق خود قرار دهند بلکه اغلب قوانین خارج از دنیای اسلامی را به ویژه اگر با شرع مغایرتی داشت، باطل دانسته و رد می‌کردند.^{۷۴}

در تمام ادوار، برخورد فقهای اسلام با دیگر سیستم‌های حقوقی یک برخورد منفی بوده است. صبحی محمصانی از حقوق‌دانان برجسته لبنانی در این باره می‌نویسد: علت عدم توجه فقهای اسلامی از مطالعه حقوق روم همانا اعتقاد استوار آنان به الهی و کامل بودن شریعت اسلام و مبتنی بودن آن بر قرآن کریم بود، از این رو هر قانونی که از منبعی جز قرآن الهام گرفته باشد در نظر فقهای اسلام مطرود و عمل به آن حرام است.^{۷۵}

اگر ادعا شود علمای حقوق جزای دنیا بعد از قرن‌ها به عظمت و اهمیت قواعد کیفری اسلامی پی برده و حتی از آن الهام نیز گرفته اند سخنی گزاف و مبالغه نیست. به عنوان شاهد ادعا محاکمه اجساد و حیوانات و مجازات صغار و مجانین و اخذ اقرار با شکنجه تا این اواخر در اروپا و آمریکا و بین دیگر ملل جهان مرسوم بود، ولی در حقوق اسلامی از چهارده قرن پیش ممنوع و تحریم شده بود.

۷۴. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۶۰-۶۲.

۷۵. صبحی محمصانی، فلسفه قانونگذاری در اسلام، ص ۲۴۴.

البته در مکتب فقهی و نوشته های فقهای عظام، اصول دادرسی کیفری اسلام تحت عنوان خاص نیامده است، بلکه در خلال مقررات باب قضا، حدود، دیات، قصاص و تعزیرات می توان برخی قواعد آن را دریافت.^{۷۶}

ویژگی های سیستم دادرسی اسلامی

۱. نسبی بودن طرح شکایت از سوی شاکی

در سیستم حقوق اسلامی جرایم یا جنبه حقّ اللّهی دارند و یا جنبه حق الناسی. برای تعقیب جرایم نوع اوّل که جنبه عمومی دارند به اعلام شاکی خصوصی نیاز نیست و قاضی شرع به هر نحوی که از وقوع این جرم ها با خبر شود مکلف است مرتکب را تعقیب و محاکمه و در صورت اثبات جرم با دلایل مقرر، مجازات شرعی را در باره وی اعمال کند. از این قبیل است جرم زنا، لواط و شرب خمر.

اختیار قاضی در تعقیب این جرایم محدود و منصوص است. وی حق ندارد با متهم مصالحه کند یا او را ببخشد و یا نوع و میزان مجازات را تغییر دهد. به عکس، در جرایم نوع دوم که جنبه خصوصی یا حقّ الناسی دارند قاضی وقتی شروع به رسیدگی می کند که مدّعی خصوصی آن را بخواهد. مجنی علیه و قائم مقام قانونی او تنها افراد ذی حقی هستند که می توانند تعقیب متهم را درخواست کنند یا از آن صرف نظر کنند. حتی بعد از اعلام شکایت می توانند گذشت کنند و متهم را از تحمّل مجازات برهانند.

جرایم مشمول احکام قصاص و دیات و بسیاری از جرایم باب تعزیرات جنبه خصوصی دارند و بدون درخواست مجنی علیه قابل تعقیب نیستند و با گذشت مدّعی خصوصی نیز تعقیب قطع می شود و کیفر ساقط می گردد. تذکر این نکته لازم است که اگر اختیار قاضی شرع در اعمال مجازات حد، محدود و منصوص

۷۶. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۶۲-۶۳.

است و حق تجاوز در آن را ندارد، در مقابل در اعمال مجازات تعزیر از آزادی عمل نسبی برخوردار است. البته میزان تعزیر نباید از حد تجاوز کند. قاضی شرع با اختیاراتی که در زمینه اجرای تعزیر دارد می تواند در صورت گذشت کردن مدعی خصوصی، مرتکب بعضی از جرایم تعزیری را در حدود تادیب مجازات کند.^{۷۷}

۲. علنی بودن محاکمات

در نظام حقوقی اسلامی جلسه دادرسی علنی است و افراد می توانند آزادانه در آن شرکت کنند.^{۷۸} یکی از اصول قضاوت نزد امام علی (ع) نیز علنی بودن محاکمات بود؛ چنان که در سیره آن حضرت می بینیم که او در مسجد قضاوت می کرد و در مسجد کوفه جایگاهی به نام دكة القضاء داشت. وی به شریح قاضی نیز دستور داد چنین کند؛ چون شنیده بود که شریح در خانه خود قضاوت می کند.^{۷۹} علی (ع) فرمود: ای شریح برای قضاوت در مسجد بنشین. این میان مردم عادلانه تر است. برای قاضی سبک است که در خانه اش قضاوت کند.

۳. تدافعی بودن رسیدگی

در این سیستم متهم حق دارد که در کمال آزادی از خود دفاع کند و به هر دلیلی استناد کند تا اتهامات را رد کند. بنابراین در سیستم حقوقی اسلامی، دادرسی از خیلی جهات به صورت تدافعی انجام می گیرد.^{۸۰} امام علی (ع) در تمامی قضاوت های خود دفاع متهمان را می شنید و به آنان حق دفاع می داد. حتی به

۷۷. همان، ص ۶۶.

۷۸. همان، ص ۶۸.

۷۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود، پژوهش های نو در فقه معاصر، ص ۱۱-۱۱۲.

۸۰. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۶۸.

شریح قاضی فرمان داد که برای حفظ حق مدعی علیه حتی با وجود بینۀ با برگرداندن قسم به مدعی، قضاوت را مؤکّد کند. همچنین به کسی که مدعی است شهودی دارد که غایب هستند یا دلیلی دارد که در آینده می تواند ارائه کند مهلت دهد.^{۸۱} حضرت به شرح فرمود: برای کسی که مدعی است شهود غایبی دارد، مهلتی تعیین کن، اگر آنان را حاضر کرد، حق او را بگیر و اگر آنان را حاضر نکرد، علیه او حکم خواهد شد. در روایت دیگری فرمود: هرکس وکیلی را تعیین کرد، حکم به وکیل او تعلق می گیرد و وکالت بدون حضور خصم، جایز است.

۴. خصوصیات قاضی

قضا به معنای حکم دادن و واری کردن میان مردم است. قضا وظیفه امام یا نائب اوست. بر او واجب است که برای رسیدگی به امور مردم، قاضی نصب کند. در صورت غیبت امام، فقیه جامع الشرایط باید این مهم را انجام دهد و در غیبت امام و فقیه جامع الشرائط فقیه عادل می تواند قضاوت کند. اگر فقیه عادل نیز وجود نداشته باشد هر کس که بر خود اعتماد داشته و شرایط لازم برای تصدّی امر قضا را دارا باشد می تواند بین مردم قضاوت کند. قبول تصدّی مقام قضا در صورت داشتن اهمیت و شرایط لازم حسب مورد واجب کفایی یا واجب عینی و گاه مستحب است. لیکن تصدّی این مقام در صورت نداشتن اهلیت شرعی مطلقاً حرام است.^{۸۲} در شرع اسلام بنا به قول مشهور قاضی باید دارای بیست و هفت صفت باشد که دوازده صفت آن واجب و بقیه مستحب است. صفات واجب عبارت اند از: بلوغ، عقل، مرد بودن، ایمان، عدالت، طهارت مولد، توانایی بر نوشتن، آزاد بودن، بینا بودن، لال نبودن، داشتن حافظه و اجتهاد؛ و صفات مستحب

۸۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود، پژوهش های نو در فقه معاصر، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۸۲. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۶۳.



عبارت اند از: اوّل آن که قاضی زاهد و متورّع و امین باشد؛ دوم اینکه اعمال صالحه بسیار انجام دهد؛ سوم آن که از هوای نفس به شدت دوری کند؛ چهارم آن که به تقوی حریص باشد؛ پنجم آن که بی عنف و تندی صاحب قوّت باشد و بی ضعف و سستی ملایم تا قوی در باطن او طمع نکند و ضعیف از عدل او مایوس نشود. ششم آنکه حلیم باشد؛ هفتم آنکه فهیم باشد برای امور؛ هشتم آنکه ضابط باشد؛ نهم آنکه مطالب را زود بشنود. دهم آنکه قوّت در بصر و بصیرت او باشد؛ یازدهم آنکه دانا باشد؛ دوازدهم آنکه از طمع منزّه باشد؛ سیزدهم آنکه صادق القول باشد؛ چهاردهم آنکه صاحب رأی باشد؛ پانزدهم آنکه جبار نباشد.^{۸۳}

در صورت ظهور جنون، کفر، فسق، غلبه نسیان، کوری، کری و یا زوال ملکه اجتهاد، قاضی از شغل خود عزل می شود. در خارج از این موارد، بنا به قول مشهور، عزل قاضی جایز نیست؛ مگر آنکه به مصلحت جامعه مسلمین باشد؛ زیرا عزل بی دلیل قاضی یا تغییر دادن محل خدمت او بدون سبب موجب زیان او و قراردادنش در معرض اتهام و بدنامی است.^{۸۴}

در فرمان نامه امام به مالک اشتر، شرایط و صفاتی را که باید در قاضی جمع باشد تا ولی امر بتواند او را به قضاوت بگمارد، آمده است:

ثُمَّ اخْتَرِ لِلْحَكَمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ مِمَّنْ لَا تَضِيقُ بِهِ الْأُمُورُ، وَلَا تَمُحِكُهُ الْخُصُومُ وَلَا يَتِمَادِي فِي الزَّلَّةِ وَلَا يَحْصِرُ فِي الْفَيْءِ إِلَى الْحَقِّ إِذَا عَرَفَهُ، وَلَا تَشْرَفُ نَفْسُهُ عَلَى طَمَعٍ وَلَا يَكْتَفِي بِأَدْنَى فُهُمٍ دُونَ أَقْصَاءُ وَأَوْقَهُمُ فِي الشَّبَهَاتِ وَأَخْذُهُمُ بِالْحَجِجِ وَأَقْلَهُمُ تَبَرُّماً بِمِرَاجِعَةِ الْخَصْمِ وَأَصْبَرَهُمْ عَلَى تَكْشِيفِ الْأُمُورِ وَأَصْرَمَهُمْ عِنْدَ اتِّضَاحِ الْحُكْمِ مِمَّنْ لَا يَزْدِهِيهِ إِطْرَاءُ وَلَا يَسْتَمِيلُهُ إِغْرَاءُ.

۸۳. سنگلجی، قضا در اسلام، ص ۴۷.

۸۴. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۶۳-۶۴.

برای قضاوت میان مردم کسی را انتخاب کن که او را از همه برتر می دانی، کسی که موجب دشواری کارها نشود و رفتار خصمان او را به لجاجت نکشاند و بر اشتباه خود پای ن فشارد و آن گاه که حق را شناخت در بازگشت به آن بخل نرزد و نفس او به هیچ طمع نمی نگاه نکند و تا همه حقیقت کشف نشود به اندک فهمی اکتفاء نکند. کسی که درنگش در شبهات از همه بیشتر و بیش از همه اهل حجت و دلیل باشد و از مراجعه طرفین دعوا کمتر به ستوه آید و در کشف حقیقت امور از همه بردبارتر و بر روشن شدن حکم از همه قاطع تر باشد. کسی که ستایش او را سست نکند و ترغیب و تشویق او را به جانبی گرایش ندهد.

در این سخن امام شریطی که قاضی باید داشته باشد بیان شده است:

عدالت و تقوا، دانش و آگاهی او به احکام و علوم مرتبط با قضاوت، نیرومندی و استواری شخصیت، حق جویی و واقع نگری به گونه ای که پس از کشف خطای خود بر آن اصرار نرزد، بی نیازی و پایداری در برابر فریب مال و جاه و شهرت. دقت و تانی و توقف در شبهات، سعه صدر در برابر مردم و مراجعه کنندگان، خوشنامی و اصالت در میان مردم.^{۸۵}

۵. سیستم دلایل معنوی

در سیستم های اتهامی، قاضی باید فقط حکم باشد و برعهده اصحاب دعوی است که دلائل خود را ارائه داده و به اثبات برسانند، ولی در حقوق اسلامی قاضی در عین بی طرفی مجاز به انجام دادن تحقیقات لازم برای دستیابی به حقیقت است.^{۸۶} در سیستم دادرسی جزائی اسلامی متهم از اصل برائت بهره مند است. برای اثبات وقوع هر یک از جرایم منصوص وجود دلایل معین و مشخص ضروری

۸۵. هاشمی شاهرودی، پژوهش های نو در فقه معاصر، ص ۱۰۳-۱۰۴.

۸۶. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۶۶-۶۷.

است؛ چنان که سرقت موجب حد به سه دلیل ثابت می شود: ۱. شهادت دو مرد عادل؛ ۲. دو مرتبه اقرار سارق نزد قاضی؛ ۳. علم قاضی. شرب خمر و قذف نیز به دو دلیل ثابت می شود: ۱. به شهادت دو مرد عادل ۲. به دو بار اقرار مرتکب.

ادله اصلی برای اثبات جرم عبارتند از: شهادت، اقرار و علم قاضی. اقامه شهود تابع شرایط خاصی است. اقرار باید در کمال آزادی مقر از طرف مقر صورت بگیرد و به دفعات تکرار شود تا بیم اشتباه و نسیان در آن نباشد؛ در این صورت است که قاضی می تواند نسبت به آن همت بگمارد. اقرار اگر با تهدید یا تطمیع یا شکنجه حاصل شود ارزش و اعتبار نخواهد داشت؛ زیرا چنین اقراری نمی تواند کاشف حقیقت باشد. توجه به ظاهر مقررات اسلامی مربوط به دلایل اثبات دعوای کیفری چنین می نماید که در این نظام به گونه ای روش دلایل قانونی حاکمیت دارد، روشی که بر آن ایراد و اعتراض وارد است و قرن هاست مطرود و متروک شده است. ولی اگر به دیده تحقیق بنگریم و منصفانه قضاوت کنیم ملاحظه خواهد شد که در این سیستم حقوقی دلیل باید کاشف از حقیقت باشد و به قاضی اطمینان بخشد که جرم واقع شده و متهم مرتکب آن است. به عبارت دیگر، قاضی می بایست به هدایت دلیل یقین حاصل کند که متهم گناهکار است. این روش نه فقط گونه ای از اعمال مستقیم دلایل قانونی به شمار نمی آید، بلکه درست سیستم دلایل معنوی است؛ همان کمال مطلوبی که علمای حقوق جزا تازه به اهمیت آن واقف شده و اصرار می ورزند به اینکه دلیل باید مبین حقیقت و موجد ایمان قاضی به وقوع جرم باشد. در سیستم دلایل قانونی هرگاه دلیل مورد نظر مقنن وجود داشته باشد محکومیت متهم اجباری است. دادرس حق ارزیابی دلایل و سبک و سنگین کردن آن ها را ندارد. اقرار نیرومندترین دلیل به شمار می آید و به تنهایی برای اثبات وقوع جرم کافی است.^{۸۷}

۸۷. همان، ص ۶۶-۶۷.

از امتیازهای قضاوت امیر المؤمنین علی (ع) این بود که او همزمان بر ادله شرعی و ادله علمی تأکید می کرد. او همچنان که براساس سوگند و بیّنه که ادله شرعی هستند قضاوت می کرد، در قضایای پیچیده برای کشف حقیقت و رسیدن به واقعیت، روش های گوناگون علمی را به خدمت می گرفت. امام (ع) با این اقدام، در به کارگیری علوم و استفاده از امارات و قرائنی که موجب یقین و کشف حقیقت می شود آفاق جدیدی را به روی قضات گشود. در ماجرای دو زنی که مدعی بودند فرزند پسر از آن اوست، و هر دو از فرزند دختر بیزاری می جستند، امام فرمود: شیر هر دو زن را وزن کنید، شیر هر کدام سنگین تر بود پسر متعلق به اوست. بدین ترتیب امام (ع) ماجرا را فیصله داد.

همچنین امام در یکی از قضاوت های معروف خود با استفاده از نکات روانشناسی به کشف جرم پرداخت. ماجرا به این شرح بود که جوانی نزد شریح قاضی طرح دعوا کرد که پدرش تاجر بوده و به همراه چهار تاجر دیگر به مسافرت رفته و در سفر درگذشته و مالی برای او به جای نگذاشته است. شریح به این مرافعه به صورت عادی رسیدگی کرد و از متهمان خواست سوگند یاد کنند، آنان نیز سوگند یاد کرده و تبرئه شدند، ولی امام (ع) دستور داد دادرسی تجدید شود و تحقیقات تازه ای صورت گیرد. ایشان چهار تاجر را جداگانه کنار ستون های مسجد نشانند و صورشان را پوشاندند تا چیزی نبینند، سپس یکی از آنان را فرا خواند و پنهانی از او تحقیق کرد و پس از آن از مردم خواست تکبیر بگویند. این شیوه تحقیق موجب تزلزل اظهارات دروغین متهمان شد و هریک از آنان پس از شنیدن صدای تکبیر بلند مردم، تصور می کرد که دیگران اعتراف کرده و حقیقت ماجرا را گفته اند. در نتیجه همگی اقرار به قتل پدر آن جوان کردند... همچنین در ماجرای دو زنی که هر دو ادعا می کردند مادر یک کودک هستند آن حضرت تظاهر کرد که می خواهد کودک را دو نیمه کند. ایشان با این اقدام قصد داشت انعکاس آن

را در چهره آنان ملاحظه کند. مادر حقیقی کودک برای سالم ماندن کودک خود از مطالبه دست برداشت و از این طریق معلوم شد که مادر حقیقی کودک است. ده ها نمونه از این نوع قضاوت از امام علی (ع) گزارش شده است که آن حضرت از روش های علمی و شگردهای تحقیقاتی چه در عرصه کشف حقیقت و اقرار به آن و چه در عرصه اجرای حکم و حدود الهی، استفاده می کرد.^{۸۸}

۶. اصل فقدان رسیدگی پژوهشی

به اقتضای سیستم دادرسی اسلامی به همه جرایم فقط در یک مرحله رسیدگی می شود. رأی صادره قطعی بوده و فوری اجرا می شود. بنابراین، رسیدگی دو مرحله ای و نظارت دیوان کشور وجود ندارد. شریعت مقدس اسلام حداکثر احتیاط و مراقبت را در همان مرحله اول ضمن تعیین صفات قاضی اجرا کرده است به گونه ای که دیگر محلی برای پژوهش و فرجام خواهی باقی نمی ماند. قاضی اسلامی با توجه به شرایط انتخابش کمتر دچار اشتباه می شود. در نتیجه به رسیدگی های چند مرحله ای نیازی نیست. احکام قاضی واجد شرایط اسلامی معمول به صحت و درستی است و باید طبق آن رفتار شود، ولی به هر حال چون ممکن است با وجود تمام دقت ها باز هم در صدور حکم اشتباه رخ دهد و جبران آن لازم باشد، فقهای اسلامی تجدید نظر در حکم قاضی شرع را مجاز دانسته و نقض آن را در مواردی قبول کرده اند.^{۸۹}

در آثار امام علی (ع) مشهود است که وی حق نقض حکم و استیناف محاکمه را با وجود صدور حکم قاضی، برای خود محفوظ می داشت، چنانکه به یک مورد آن اشاره کردیم. این بدان معناست که حاکم حق استیناف یا تمیز حکم را دارد.

۸۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود، پژوهش های نو در فقه معاصر، ص ۱۰۵-۱۰۷.

۸۹. آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۶۴-۶۵.

همچنین در روایتی دیگر از امام علی (ع) آمده است که: «أَنْ الْقَاضِيَ إِذَا عَلِمَ بِخَطَاةِ رَدِّ قَضَائِهِ أَوْ رَدِّ قَضَائِهِ؛ هرگاه قاضی به خطا بودن حکم خود پی ببرد، قضاوت خود را مردود می کند یا قضاوتش مردود می شود. این روایت نیز خاستگاه دیگری در اصول قضایی برای جواز نقض و استیناف حکم است.^{۹۰}

نتیجه

در اروپا با توجه به جهان بینی مادی دو رویکرد فرد محوری و جمع محوری حاکم است که مکاتب حقوقی و سیستم های دادرسی متأثر از آن هاست و این مکاتب عبارتند از مکتب حقوقی فردی - طبیعی که اساس آن توجه به فرد و حقوق و آزادی های وی است و به عبارتی اجتماع در خدمت فرد است. سیستم دادرسی متناسب با این مکتب سیستم اتهامی است. مکتب حقوقی دیگر مکتب تحقیقی - اجتماعی است که اساس آن توجه به نظم عمومی و منافع و مصالح اساسی جامعه است و به عبارتی، فرد در خدمت اجتماع است. سیستم دادرسی متناسب با این مکتب، سیستم آن تفتیشی است. در مقابل در اسلام با توجه به جهان بینی الهی آن، تنها یک رویکرد خدا محورانه حاکم است که مکتب حقوقی متأثر از آن، مکتب الهی - فطری است. در این مکتب، ملاک اراده پروردگار و توجه به رضایت اوست؛ انسان در خدمت خداست، حال چه به زیان فرد یا جامعه باشد و چه به نفع هریک و سیستم دادرسی متناسب با این مکتب، سیستم دادرسی اسلامی است. همانطور که مکتب حقوقی اسلامی با مکاتب اروپایی متفاوت است، سیستم دادرسی آن نیز با سیستم های دادرسی اروپایی متفاوت است؛ برای مثال یکی از ویژگی های آن، نسبی بودن طرح شکایت از سوی شاکی است؛ بدین معنا که در جرایم حق الناسی خود زیان دیده می تواند شکایت خود را مطرح نماید و در جرایم

۹۰. هاشمی شاهرودی، پژوهش های نو در فقه معاصر، ص ۱۰۷.

حق الله خود قاضی موضوع را پیگیری می کند، لکن در سیستم اتهامی در تمامی موارد حتماً باید زیان دیده شکایت را مطرح کند و در سیستم تفتیشی اصلاً نیازی به طرح شکایت از سوی زیان دیده نیست. همچنین در سیستم دادرسی اسلامی، برای قاضی خصوصیات ویژه ای معرفی شده است که شامل ۲۷ صفت است؛ هفده مورد از آن واجب و بقیه مستحب است؛ از جمله آن داشتن اجتهاد، مذکر بودن، داشتن ایمان و عدالت و طهارت مولد. این مطلب و تأکید اسلام بر آن در دو سیستم اروپایی مشاهده نمی شود که بیانگر اهمیت امر قضا در اسلام است. از سوی دیگر، در سیستم دادرسی اسلامی اصل بر فقدان رسیدگی پژوهشی است، بدین معنا که رسیدگی پژوهشی اصولاً وجود ندارد مگر این که قاضی به اشتباه خود پی ببرد و دوباره خواهان رسیدگی شود؛ لکن در سیستم دادرسی اتهامی، رسیدگی پژوهشی به طور مطلق وجود ندارد و در سیستم دادرسی تفتیشی، به طور کلی در تمامی موارد، رسیدگی پژوهشی امکان پذیر است.

منابع و مآخذ

۱. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۸.
۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران، ۱۳۸۶.
۳. استفانی، گاستون و ...، آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، جلد اول، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.
۴. سنگلجی، محمد، قضاء در اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۷.

۵. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهل و پنجم، تهران، ۱۳۸۴.
۶. کاسسه، آنتونیو، حقوق بین المللی کیفری، ترجمه حسین پیران، انتشارات جنگل، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.
۷. گلدوست جویباری، رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۹.
۸. لارگیه، ژان، آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل زاده، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۹. محمصانی، صبحی، فلسفه قانونگذاری در اسلام، ترجمه اسماعیل گلستانی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷.
۱۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود، پژوهش های نو در فقه معاصر، انتشارات وزارت دادگستری، جلد اول، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.
11. Bouzat, P, et Pinatel, J, Traite' de Droit Pen'al et de Criminology, Paris, 1970.
12. Damaska, M, R, The Faces Of Justice and State Authority- Acomporative Approach to the Legal Process, Idem, Models of Criminal Procedural, 51 Zbornik, Collected Papers of Zagreb Law School, 2001.

مطالعة تطبيقية بين أنظار حقوقي أوروبا مع انظار حقوقي الإسلام

علي قرباني

جعفر الموحيدي



٣٣٩

٣٣٩

تكون النظرة في الفكر الأوربي مع النظرة المادية للعالم فلسفية مبتنية على محورية الفرد والمحورية الجمعية، كذلك النظرة الحقوقية مبتنية على نوعين من المدارس الحقوقية والنظام القضائي.

يقون احدهما على محورية الفرد ويسمى بالمدرسة الفردية - الطبيعية والنظام القضائي فيه إتهامي.

وثانيهما على المحورية الجمعية ويسمى بالمدرسة التحقيقي - الاجتماعي ونظامه القضائي تفتيشي (تجسسي) - وفي التفكير الإسلامي مع النظرة التوحيدية والفلسفة الإلهية يمكن أن تكون النظرة الحقوقية - المدرسة الحقوقية والنظام القضائي - متناسبة معه، ويذكر بعنوان المدرسة الحقوقية الإلهية - الفطرية والنظام القضائي الإسلامي.

الكلمات المفتاحية: الحقوق الإسلامية، الحقوق الأوربية، النظام الجنائي، المدرسة الفردية - الطبيعية، المدرسة التحقيقية - الاجتماعية، مدرسة الحقوق الإلهية - الفطرية.